

مطالعه تطبیقی سیمای امام علی(ع) در آینه فتوت، با رویکرد به چند اثر ادبی

* نجمیه کریمی

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۸

** حسین آذر پیوند

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۸

*** غلامرضا تمیمی تواندشتی

چکیده

فتوت، یک حرکت اجتماعی و تکانه روحی از فرهنگ و تمدن ایران باستان است که از آغاز ورود فرهنگ اسلامی به جغرافیای گسترده ایران، در میان توده مردم اثرگذار بوده و به نوعی با فرهنگ اسلامی درآمیخته است. این پژوهش به روش تحلیل محتوایی کیفی و با مراجعه به منابع و اسناد معتبر کتابخانه‌ای، به مشاهده سیمای امام علی(ع) در «فتوت نامه سلطانی» از ادبیات فارسی و «رسالة الفتوة فی الاسلام»، یوسف بن صوشه و کتاب «الصلة بین التصوف والتشیع» کامل مصطفی الشیبی، از ادبیات عرب، پرداخته است. در طول تاریخ بسیاری از جوانمردان و عیاران شیعه و سنی که مبانی شریعت و طریقت را باور داشتند، امام علی(ع) را پیشوای جوانمردان و نقطه قوت این جریان فکری می‌دانستند. حضور تاریخی و پشتوانه معنوی حضرت علی(ع) شاه مردان به عنوان رهبر اهل فتوت موجب شد که با شعار لا فتی الا علی یار و یاور بینوایان باشند و با ستمگران مبارزه کنند.

کلیدواژگان: فتوت نامه، الفتوة، تصوف، التشیع.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

** استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان.

*** استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد.

مقدمه

پژوهش‌های نخستین در صدر اسلام بیانگر این نکته است که فرهنگ و تمدن ایران باستان در طیفی گسترده آیین جوانمردی را به منش‌های نیکو آراسته و این آیین‌ها اندک اندک در فرهنگ اسلامی نشو و نما یافته سپس در باورهای مذهبی تبلور کرده است. در همان سده نخست هجری اهل فتوت کمابیش دارای حلقه‌ها، مجامع و حتی لباس ویژه بودند و با صفاتی چون کرم و بخشش همراه با راهزنی شناخته می‌شدند. به نظر می‌رسد که ضعف فتیان در تعریف و تبیین خویش، آغاز بهره‌گیری تصوف از فرصتی تاریخی در جهت جذب و هضم فتوت بود. البته بازتاب این جریان را در متون سده‌های چهارم و پنجم قمری صوفیه می‌توان مشاهده کرد که در آن‌ها صفحات قابل توجهی به بیان جمله‌های پرآرایه و ستایش‌آمیز مشایخ تصوف در باب فتوت اختصاص دارد.

در دوره اسلامی اهل فتوت، به عنوان کسانی که به نظام اخلاقی خاصی مبتنی بر ایثار، گذشت و یاری به ضعیفان جامعه، پای‌بند بودند، با نام‌هایی چون عیار، جوانمرد، سالوک، فتی، شطار، رند، درویش و اخی شناخته می‌شدند. با گذشت زمان منش‌های پهلوانی با آیین جوانمردی در تصوف و عرفان اسلامی از ابعاد گوناگون در آمیخته و این تأثیر متقابل از آغاز تا کنون مورد توجه و عنایت رهروان فرهنگ و ادب بوده است.

«فتوت‌نامه سلطانی» با تحمیدیه‌ای شیوا و ادبی در ستایش خداوند آغاز گردیده که انگیزه خواننده را برای مطالعه و کسب فیض از آن دوچندان می‌کند. پس از با نعت رسول گرامی اسلام (ص) و درود بر یاران و خاندان پاکش به توضیح علم فتوت پرداخته است، کاشفی از جهت تیمن و تبرک این کتاب را به روح پر فتوح امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) تقدیم کرده است. جوانمرد، صاحب‌دلی است که فطرت انسان در وی به کمال رسیده، یعنی انسان با تجلیات الهی از خصوصیات عاطفی به طرف کمالات عقلی پیش می‌رود. فتوت، در طی تاریخ و برحسب اقتضای اجتماعی و احوال توده مردم اشکال گوناگون یافته و همین نکته تحقیق در مورد فتوت و آیین فتیان را دشوار کرده است. ارتباط اهل فتوت با اصناف و پیشه‌وران نه از آن نوع بوده است که اصناف مختلف را از یکدیگر جدا کند بلکه بیش‌تر از نوع ایجاد پیوند اخلاقی بین اصناف مختلف و پیشه‌وران جامعه بوده است.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران ضمن مطالعه منابع مرتبط با فتوت و عرفان و تصوف همچنین پژوهش در مآخذ دیگر به این نتیجه رسیدند که منابع معتبر در خصوص فتوت و آیین و منش فتیان آن مطالبی سودمند آورده‌اند اما هیچ یک مستقیماً به موضوع این جستار جایگاه امام(ع) در فتوت نپرداخته‌اند.

«آئین جوانمردی»، هانری کوربن، ۱۹۰۳-۱۹۷۸م در موضوع فتوت و تصوف، انتشارات انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران، تهران ۱۳۵۲. این دانشمند غیر مسلمان که از مستشرقان نامدار قرن اخیر است در فتوت و عرفان اسلامی و تاریخ ادبیات ایران پژوهش‌هایی گرانقدر دارد از جمله کتاب فتوت و تصوف که بحثی مفصل در جمع میان این دو پدیده اجتماعی دارد.

«انواع ادبی»، سیروس شمیسا، ۱۳۸۰، تهران نشر مرکز. سیروس شمیسا در این کتاب انواع ادبی اصلی و فرعی (ژانرهای ادبی) را مورد پژوهش قرار داده و با نظریه‌های ارزنده اصول فتیان و عرفان و تصوف را ذیل نوع ادب غنایی تقسیم بندی کرده است. البته این کتاب مستقیماً به موضوع فتوت نپرداخته بلکه حدود آثار منظوم و منثور را مشخص نموده است.

«تاریخ ادبیات در ایران»، ذبیح اله صفا، ۱۳۶۸، ج اول، تهران: انتشارات فردوس، چ

نهم.

استاد صفا در این کتاب هشت جلدی بحثی مستوفی در خصوص عرفان و تصوف آورده که در ضمن آن موضوع فتوت و جوانمردی به خصوص مسائل اجتماعی ایاران (عیاران) را مورد بررسی قرار داده است. این اثر از شکل‌گیری آیین فتوت و جوانمردی تا حرکت‌های سیاسی و اجتماعی آنان حتی به حکومت رسیدن برخی از جوانمردان مانند رویگران سیستان و اهل فتوت ثبت و ضبط شده است.

«کتاب الفتوة»، ابوعبدالله محمد بن ابی‌المکارم ابن‌معمار، ۱۹۵۸، چاپ مصطفی جواد. محمدتقی‌الدین الهلالی. عبدالحلیم النجار. احمد ناجی القیسی. با مقدمه مصطفی جواد. بغداد. این کتاب در عهد *الناصر لدین الله* و به نام او و برای تبلیغ و تعلیم فتوت ناصری در ده فصل نوشته شده است. *ابن معمار* با این کتاب در سوق دادن فتوت - که آیین

عیاران و سپاهی‌پیشگان بوده - به سوی تصوّف مؤثر بوده است و بسیاری از فتوّت‌نامه‌هایی که پس از آن نوشته شده از این کتاب متأثر گردیده‌اند. «الفتوة فی الاسلام»، ۱۴۳۶ق. اثری ارزشمند در ادبیات عرب به وسیله یوسف بن سوشه که زیر نظر جمال البوص در خصوص فتوت در دوره اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان تألیف شده است.

۶. کتاب «الصلة بین التصوف والتشیع»، ۱۹۲۷م. کتابی ارزشمند از کامل مصطفی شیبی، که توسط علی اکبر شهابی به نام «همبستگی میان تصوف و تشیع» ترجمه شده و در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. این کتاب در خصوص همبستگی میان تصوف و تشیع و فتوت پدید آمده که بسیار سودمند است.

۷. «فتوّت نامه سلطانی»، حسین واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، به کوشش محمد جعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ که این جستار بر مبنای آن صورت پذیرفته است. این کتاب جامع‌ترین و مفصل‌ترین فتوّت‌نامه منثور فارسی است که به شیوه مقامه نویسی یعنی نثر آمیخته با نظم پدید آمده که مؤلف به مناسبت موضوع و مقتضای حال و مقام با آیات قرآن مجید و سیره نبوی همچنین روش ساده زیستی علوی آن را آراسته است. این نخستین فتوّت‌نامه‌ای است که فتوّت را علم نامیده و معتقد است که موضوع علم فتوّت، نفس انسان است. این کتاب ارزشمند چونان آینه‌ای است که جمال علی (ع) را برابر دیدگان خواننده مجسم می‌کند.

چگونگی تحوّل در شعر و ادب فارسی و عربی

با نگاهی گذرا می‌توان شعر و ادب فارسی و عربی را از جهت تحوّلات فرهنگی به دو دوره تقسیم کرد: ۱. دوره جنبش ملّی (بیداری) ۲. دوره تجدّد واقعی (تولّد ادبیات نوین)

۱. دوره جنبش ملّی (بیداری): هم‌زمان با اوج‌گیری زمزمه‌های آزادی‌خواهی در آستانه انقلاب مشروطیّت و مبارزات ملّت به خصوص روشنفکران و اهالی قلم در ایران، اقوام مختلف عرب هم با تفاوت‌های شرایط اجتماعی و محیط جغرافیایی خاص خود، به منظور رهایی از سلطه شیوخ و سلاطین همچنین نفوذ فرمانروایی عثمانی، جنبش‌هایی را آغاز کردند که از بسیاری جهات زمینه‌های مشترک با جنبش ملّی ایران داشت.

موضوع قابل بررسی در این نهضت‌ها، تحوّل ادبی و شکل‌گیری شعر نو با مضمون‌های مشترک است.

بدیهی است با مطالعه شعر عرب در این دوره، می‌توان گفت، ادبیات عربی به دلیل ساختار فرهنگی مصرف، تجمّل و ارتباط مداوم با دنیای غرب، در مقایسه با ادبیات ایران پیشرفت‌های چشمگیرتری داشته است.

در شعر و ادب فارسی و عربی، مقوله‌های آزادی، وطن، قانون، جایگاه و حقوق زنان و کاربرد اصطلاحات جدید، مضمون‌هایی برجسته بود. که علاوه بر مشترکات فرهنگی، مذهبی، هم‌جواری و آرمان‌های مشترک اسلامی، نیازهای سالیان اخیر ملت ایران و اقوام عرب را پی‌ریزی کرده است.

دوره تجدّد واقعی

«این دوره، در هر دو زبان، با تحولات سریع اجتماعی، همراه شدن با جنبش‌های ادبی معاصر و از میان رفتن سنت‌ها، شکل می‌گیرد که نتیجه تماس مستقیم شاعران هر دو زبان با ادبیات معاصر جهان است. دوره تجدّد واقعی در شعر معاصر فارسی و عربی تقریباً از سال ۱۳۲۰، مقارن با جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود.

«شاعران نوپرداز فارسی و عربی از هر جهت در وضعیتی مشابه قرار دارند، که برای نمونه از نازک الملائکه، بدر شاکر السّیّاب، ادونیس، غادّة السّمان، صلاح عبدالصّبور و عبدالوّهّاب البیاتی می‌توان نام برد. این شاعران یادآور نوسرایان زبان فارسی مانند نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، احمد شاملو، و دیگران...» (تمیمی، ۱۳۸۸: ۸)

نتیجه این دو جنبش بزرگ اجتماعی، پیدایش اندیشه‌های متعالی شاعرانی است که از راه و رسم ستایشگری و مدیحه‌سرایی به تنگ آمده، برای شعر قلمروی گسترده‌تر به سود انسانیت خواستار شدند. در حوزه ادبیات عرب / احمد شوقی، حافظ / ابراهیم، بارودی، / یلیا ابوماضی، ابوالقاسم شابی و... در ایران شاعران دوره مشروطیت و اندک زمانی پس از آن / ادیب الممالک، محمّد تقی بهار، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، فرّخی یزدی، رشید یاسمی، پروین اعتصامی و نیما یوشیج در این جهت بسیار کوشیدند. زمینه کلی مضامین شعر و ادب در هر دو زبان، یکسان است و در تمامی آن‌ها مسائل قومی و ملی مطرح

است. مضامین و خصوصیات شعر هر دو زبان را در دوره تجدّد و بیداری می‌توان چنین خلاصه کرد:

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱- دعوت به زندگی جدید براساس علم | ۶- دفاع از حقوق محرومان و رنجبران |
| ۲- تعلیم و تربیت نوین | ۷- دفاع از حقوق زنان |
| ۳- حمله به مفاسد ناشی از تمدن جدید | ۸- آزادی بیان و قلم |
| ۴- آزادی و وطن دوستی | ۹- گسترش حوزه‌های فرهنگی |
| ۵- توجه به زندگی طبقه زحمتکش و تهیدست | ۱۰- فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی |

نمونه ابیاتی از فرّخی یزدی و ابوالقاسم شابی با توجه به مضمون مشترک آنان در دعوت به علوم و فنون جدید:

لَقَدْ نَامَ أَهْلُ الْعِلْمِ نَوْمًا مُّغْنَطِسًا فَلَمَّ يَسْمَعُوا مَا رَدَدَتْهُ الْعَوَالِمُ
سَكَّتُمْ وَقَدْ شِمْتُمْ ظِلَامًا، غُضُّوْنَهُ غَلَائِمٌ كَكْفَرٍ، ثَائِرٍ وَمَعَالِمُ

(شابی، ۱۳۸۲: ۲۷۵)

- اهل علم در خوابی عمیق غوطه‌ور هستند و آنچه را که جهان پیرامونشان برای آنان بازگو می‌کند، نمی‌شنوند
 - شما سکوت کرده‌اید و چشم به تاریکی و ظلمتی دوخته‌اید که در لایه‌های آن، نشانه‌های کفر و ناسپاسی زده و گستاخی نهفته است
- در ادب فارسی فرّخی یزدی شاعر انقلابی که *ضیغم الدوله* حکمران دوره قاجار دستور داد دهان او را با نخ و سوزن دوختند در خصوص دانش‌آموزی و تجربه اندوزی ایرانیان در پهنه گیتی می‌گوید:

تا نشود جهل ما به علم مبدل پیش ملل بندگی ماست مسجل

(فرّخی یزدی، ۱۳۶۳: ۴۰)

نیما یوشیج، سنت‌شکن شعر فارسی

«بزرگ‌ترین بدعت نیما یوشیج، تصرف در اوزان شعری بود. این شاعر، از نخستین پیشروانی هستند که زنجیره عروض کلاسیک را در هم شکسته، در عروض آزاد شعر

سروده. این بدعت و دگرگونی به هیچ وجه یک امر تصادفی نیست و او هرگز از روی هیجان و فیضان احساسات، وزن را دگرگون نکرد بلکه تا روشی تازه در شاعری به وجود آورد، که چند سال بعد سرمشق و الگویی برای خانم نازک الملائکه در ادبیات عرب گردید. بدین ترتیب شرایط و مقدمات مشابه و سوابق یکسان شعر فارسی و عربی سبب شد تا نیما و نازک الملائکه به یک نتیجه برسند، به خصوص این که هر دو به شعر اروپایی نیز نظر داشتند» (تمیمی، ۱۳۸۸: ۱۵).

نازک الملائکه پیشوای شعر نو عربی

«تحول و تجدد واقعی در شعر فارسی با پیشگامی نیما یوشیج و تقریباً هم‌زمان با او، در شعر عربی با ظهور خانم نازک الملائکه، آغاز شد. البته نیما در عمل مقدم بر نازک الملائکه است. زیرا اگر انتشار شعر ققنوس نیما در سال ۱۳۱۶ شمسی (۱۹۳۹ میلادی) ملاک قرار داده شود، نخستین تجربه نازک الملائکه، سرودن شعر آزاد الکولیرا در سال ۱۹۴۷ یعنی هشت سال پس از نشر شعر ققنوس و تجربه نیماست. به هر حال نازک الملائکه در تحول شعر عربی همان نقشی را داشت که نیما در شعر فارسی» (همان: ۱۶).

متن مقاله

«متن، یک کل ساختار کرامند است که از نشانه‌های زبانی تشکیل می‌شود. هر متن مجموعه‌ای از یک پیکره واره‌ی زبانی است که عاملی آن را بیان می‌کند» (محمدی فشارکی، ۱۳۹۳: ۲۳۴). بر این مبنا می‌توان گفت متن ادبی ابزاری است که در دسترس مخاطب قرار می‌گیرد و بر اثر برخی تحولات به متن روایی یا داستان تبدیل می‌شود. در این جستار متن «فتوت نامه سلطانی» از ادبیات فارسی با دو متن از ادبیات عرب به طور مقایسه‌ای مورد تطبیق قرار گرفته‌اند. متن «فتوت نامه سلطانی» از مولانا واعظ کاشفی اینگونه آغاز شده است:

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ طَرِيقَ الْفَتْوَى مِنْهَا جَأً لِلْسَّالِكِينَ وَأَوْضَحَ سَبِيلَ الْوَفَاءِ وَالْمُرُوءَةِ
مَسْلَكاً لِلنَّاهِجِينَ وَالصَّلَاةِ عَلَى مَنْ شَدَّ بِتَكْمِيلِ قَوَاعِدِ الدِّينِ مِنْ أَرْبَابِ الطَّرِيقَةِ مُحَمَّدٍ

المُخْتَارِ وَخُلَفَاءِ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ... وَالسَّلَامُ عَلَيَّ عِتْرَتِهِ الْأَطْهَارِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَصَحْبَةِ الْأَخْيَارِ الْمُتَابِعِينَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ».

«و اما بعد، این رساله‌ای است که در بیان طریق اهل فتوت و قوانین و اداب شد و بیعت و پوشیدن تاج و خرقه و شرح ادب و سیرت هر فرقه و شرایط شیخ و مرید و شاگرد و استاد و لوازم تکمیل و تعلیم و تلقین و ارشاد، که فقیر حقیر و کثیر التقصیر حسین الکاشفی، ایده الله باللطف الخفی، از کتب معتبره و رسایل مشتهره، استنباط نموده و در سبک تألیف کشید؛ و چون به نام خدام مزار پر انوار حضرت عرشی مرتبت قدسی منزلت امام همام، سلطان الأولیاء امام رضا(ع) سیمت اتمام پذیرفت:

عَلِيٌّ ابْنُ مُوسَى مَنِ تَلَقَّبَ بِالرِّضَا امامُ الْوَرَى نُورُ الْهُدَى كَاشِفُ الدُّجَى
امام بحق، شاه مطلق که آمد حریم درش قبله‌گاه سلاطین

این کتاب را «فتوت نامه‌ی سلطانی» نام نهاد؛ و اساس این رساله بر مقدمه و دوازده باب و خاتمه‌ای لایق افتاد. والله وليُّ الرِّشَادِ وَمِنْهُ الْمَبْدَأُ وَإِلَيْهِ الْمَعَادُ» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۴).

شریعت

«اصطلاح کلامی و عرفانی، عبارت است از امور دینی که حضرت عزت عز شأنه، جهت بندگان به لسان پیغمبران تعیین فرموده از اقوال و اعمال و احکام که متابعت آن سبب انتظام امور معاش و معاد باشد و موجب حصول کمالات گردد و شارح احوال خواص و عوام بوده و جمیع امت در آن شریک باشند، شریعت مظهر فیض رحمانی است که به رحمت عام تعبیر می‌شود» (سجادی، ۱۳۶۲: ج ۳/۹۰).

«اینکه شریعت مثل نوری است که جاده سیر إلى الله را روشن می‌کند، سیرت و سنت رسول را نزد بسیاری از عرفا، اساس تربیت اهل طریق می‌سازد و آنچه را برای کافه مؤمنان در قرآن (اسوه حسنه) محسوب است منشأ الزام مجاهده می‌کند» (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۶۹۱).

«شریعت، گفتار پیامبر(ص)، طریقت، رفتار آن بزرگوار و حقیقت، احوال رسول الله(ص) دانسته‌اند» (حائری، ۱۳۷۹: ۱۹).

عرفان

عرفان، نگرشی هنرمندانه به جهان هستی و عبادت عاشقانه خدا، به عنوان معشوق است وصال معشوق تنها به کوشش سالک باز بسته نیست بلکه، جذبه‌ای از جانب حق بایسته است تا وی را در قبضه عشق گیرد.

تا که از جانب معشوقه نباشد کشتی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد رموز سیرِ انا الحق نداند آن عاقل که منجذب نشد از جذبه‌های سبحانی «عرفان یکی از علومی است که در دامن اسلام و فرهنگ اسلامی زاده شده و پرورش یافته است. اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی مورد نظر باشند «عارف» و هرگاه با عنوان اجتماعی مورد بحث قرار گیرند با عنوان «صوفی» یاد می‌شوند. هرچند عرفا و متصوفه یک انشعاب مذهبی در اسلام تلقی نمی‌شوند و خود نیز مدعی چنین انشعابی نیستند اما در همه فرق و مذاهب اسلامی حضور دارند» (مطهری، بی‌تا: ۷۱).

بررسی آیین فتوت

مؤلف کتاب مانند بسیاری از فرهنگ‌ها و لغتنامه‌های موجود فتوت را معادل جوانمردی و عیاری آورده سپس نوشته است: «بدان که فتوت از روی لغت جوانی باید و فتی مرد جوان را گویند و بعضی از ائمه لغت بر آن اند که فتوت جوانمردی باشد چنانچه در صحاح آورده که: أَلْفَتَى سَخِيٌّ كَرِيمٌ وَيُقَالُ هُوَ فَتَى بَيْنَ الْفِتْوَةِ. اما از روی اصطلاح فتوت در عرف عام عبارت است از اتصاف به صفات حمیده و اخلاق پسندیده، بر وجهی که بدان از ابناء جنس خویش ممتاز گردد؛ و به تعریف خواص عبارت است از ظهور نور فطرت انسانی و استیلای آن بر ظلمت صفات نفسانی تا فضایل اخلاق باسرها ملکه گردد و رذایل به کلی شفاء پذیرد.

فصل اول: در شرف علم فتوت

«بدان که علم فتوت علمی شریف است و شعبه‌ای است از علم تصوف و توحید و اکابر عالم در این علم رساله‌ها ساخته‌اند و در صفت و توجیه کمال او نسخه‌ها پرداخته؛ از جمله در رساله تبصرة الأصفیاء آورده است، شعر:

عِلْمُ الْفُتُوَّةِ نُورٌ يُسْتَضَاءُ بِهِ فِي ظُلْمَةِ الْجَهْلِ وَالْعَمِيَاءِ وَالْكَسَلِ
و در کتاب قواعد الفتوة این بیت‌ها را به شیخ فریدالدین عطار قدس سره اسناد کرده
است:

هر که از علم فتوت بهره یافت
دیده دل از فتوت روشن است
گر بود علم فتوت بر سرت
رو سوی دین کرد و از دنیا بتافت
روضه جان از فتوت گلشن است
هر زمان بخشد صفای دیگرت
(همان: ۶)

فتوت همان طریقت است؛ و لباس اهل طریقت و فتوت خرقة بود. چون دور به خلیل الرحمن رسید، جمعی گفتند: ما بار خرقة نمی‌توانیم کشید. حضرت ابراهیم علیه السلام ایشان را در کشتی طریقت نشانده و در میان دریای حقیقت برد و به جزیره فتوت رسانید. نکته قابل توجه اینکه *و اعط کاشفی* در فصل اول که اساس پژوهش و شالوده کتاب «فتوت نامه سلطانی» است می‌نویسد: «فتوت همان طریقت است و لباس اهل طریقت و فتوت خرقة بود...» اما در پایان همین فصل نوشته است: چنانچه فتوت یک جزو از طریقت است و اکثر مردم بدان میل کرده‌اند، علم فتوت مشهور شده و الا علم فتوت شمه‌ای از علم طریقت است. بنابراین فتوت و طریقت از یک آبشخور سیراب می‌شوند که همانا سرچشمه جوشان وحی الهی است.

تعریف فتوت لغوی و اصطلاحی

۱- فتوت در لغت: فتی در لغت به معنای جوان، جوانمرد و به صیغه فتو یعنی، فتاء فتی به کسر لام در مفهوم مرد جوان آمده به طوری که *ابن منظور* در فرهنگ لسان العرب آورده: *أَنْشَدَ لِلرَّبِيعِ بْنِ ضَبْعِ الْقَزَارِي:*

اذا عاش الفتى مئتي عاماً
فَقَدْ ذَهَبَ اللِّذَاذَةُ وَالْفَتَاءُ

(بن صوشه، ۱۴۳۷ق: ۶)

و *الجوهري* می‌نویسد: فتی و الافتی: فتاة و الجمع فتیات، به نوجوان می‌گویند یعنی غلام و اسم تصغیر آن فتیه است (ابن منظور، لسان العرب، بی تا: ۳۳۳۸)

۲- **فتوت در اصطلاح:** فتوت در اصطلاح در نزد قبایل عرب یعنی، دلاوری و از خود گذشتگی، کرامت، وفاداری، میهمان نوازی و بسیاری صفات پسندیده و فتنی (جوانمرد) در نزد آنان یعنی آقا، بزرگوار و شخصیتی که بزرگ است و کردارهای بزرگ از او سر می‌زند و کرامت او نزد همگام زبان زد شده است.

ان الفتی، لفتی المکارم و العلی لیس الفتی بمُغْمَلَج الصّبیان

(بن صوشه، ۱۴۳۷: ۷)

بن صوشه پس از استناد به این بیت از احمد محمد الخطیمی ارائه می‌دهد که فتی بیانگر مجموعه‌ای از پندارها و کردارهای نیکو از جمله شجاعت و سخاوت است و البته جوانمرد بر ختم خویش بردبار است و با میهمان مهربان است و در هنگام لزوم آن چه از بزرگی در وجود دارد از دیگران دریغ نمی‌کند. البته در دوران اموی مفاهیم فتوت گسترش یافته و بسیاری از منش‌های انسانی را شامل شده است (همان: ۸).

موضوع علم فتوت

واعظ کاشفی در فصل دوم کتاب خود در خصوص موضوع فتوت می‌نویسد: «بدان که هر علمی را موضوعی است که در آن علم بحث از عوارض ذاتی آن موضوع می‌کنند. چنانچه در علم طب بدن انسان موضوع است از حیثیت صحت و مرض؛ و چون این مقدمه دانسته شد، نباید دانست که موضوع علم فتوت نفس انسانی باشد، از آن جهت که مباشر و مرتکب افعال جمیله و صفات حمیده گردد؛ و تارک و رادع اعمال قبیحه و اخلاق ذمیمه شود به ارادت؛ یعنی تحلیه و تخلیه و تزکیه و تصفیه را شعار و دثار خود سازد، تا رستگاری یابد و به نجات ابدی برسد. کَمَا قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّبَهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا﴾ (الشمس / ۹-۱۰)؛ خداوند متعال فرموده است: به تحقیق آن کس که نفس خویش را پاکسازی کند رستگار می‌شود و آن کس که از این نعمت بی‌بهره ماند از فیض سعادت باز می‌ماند» (همان: ۸).

باب اول کتاب «فتوت نامه سلطانی» در بیان منبع و مظهر فتوت و معنی طریقت و تصوف و فقر است. مؤلف می‌نویسد: «بدان که هر که او مظهر صفت فتوت باشد او را فتی گویند و فتی در اصل لغت جوان را گویند و این لفظ موضوع از برای مردی جوان است.

پس اطلاق فتی بر جوان حقیقت باشد و بر غیر آن مجاز؛ و آن مجاز را از روی معنی اطلاق کنند بر کسی که به کمال فضایل انسانی رسیده باشد و وجه مجاز، آن است که سالک مادام که در قید هوای نفس و آرزوی طبع باشد به مثابه کودکی باشد نارسیده و چون از مرتبه نفس ترقی نموده به مقام دل رسد به منزله جوان باشد رسیده و چنان جوان را قوت‌های صوری و کمالات بدنی حاصل است جوانمرد را نیز کمالات انسانی و قوت‌های معنوی حاصل بود و در این مرتبه او را فتی گویند» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۷).

فتوت از منظر قرآن کریم

کامل مصطفی الشیبی کاربرد کلمه فتی را در قرآن مجید یک جا آورده به این صورت که: لفظ فتی (جوان - جوانمردان) در هشت موضع از قرآن آمده است و از آن مردانگی و جوانمردی اراده شده است:

اما در «فتوت‌نامه سلطانی» و الفتوة فی الاسلام، به صورت موضوعی و در متن هر عنوان آمده، اما استنادات هر سه کتاب به همان هشت آیه مبارکه در قرآن مجید است.

۱- ﴿وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا﴾ (یوسف / ۳۰)

و گروهی از زنان در شهر شایع کردند که همسر عزیز مصر در حالی که عشق آن نوجوان در درون قلبش نفوذ کرده از او درخواست کام جویی می کند؛ یقیناً ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم (یوسف/۳)

۲- ﴿وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْتُ بَأُوبَىٰ وَإِلَيْهِ إِنَّا نَرْجُو﴾ (یوسف / ۳۶)

و دو غلام پادشاه مصر با یوسف به زندان افتادند. یکی از آن دو نفر گفت: من پی در پی خواب می بینم که برای شراب، انگور می فشارم، و دیگری گفت: من خواب می بینم که بر سر خود نان حمل می کنم و پرندگان از آن می خورند، از تعبیر آن ما را خبر ده؛ زیرا ما تو را از نیکوکاران می دانیم (یوسف/۳۶). این دو آیه در سوره یوسف است.

۳- ﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُ مِمَّا قَالُوا لَهُ إِذْ هُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾ (انبیاء/۶۰) این آیه در سوره انبیاء است و

براهیم را هنگامی که بت‌ها را در بتکده شکست وصف می کند.

۴- ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِن آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ (کهف / ۹)

آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه‌های شگفت انگیز ما بودند؟ چنین نیست؛ زیرا ما را در پهن دشت هستی نشانه‌هایی شگفت انگیزتر از اصحاب کهف است.

۵- ﴿إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ (کهف/ ۱۰)

«یاد کن هنگامی را که آن جوانان در غار پناه گرفتند و گفتند: پروردگارا! رحمتی از نزد خود به ما عطا کن، و برای ما در کارمان زمینه هدایتی فراهم آور.»

۶- در برخی از آیات قرآن «فتی» به معنی یار و دوست (صاحب و صدیق) آمده است، از آن جمله است این آیه: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾ (کهف/ ۶۰)

و یاد کن هنگامی را که موسی به جوان خدمتگزار خود گفت: همواره می‌روم تا به محل برخورد آن دو دریا برسم چه اینکه زود برسم یا روزگاری طولانی به سفرم ادامه دهم، در هر حال می‌روم تا برای تحصیل دانش بیش‌تر، عبد صالح حق را بیابم.

۷- ﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءًا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا﴾ (کهف/ ۶۲)

وقتی از آنجا گذشتند، موسی به خدمتگزارش گفت: غذای صبحگاهی ما را بیاور که از این سفرمان سختی و خستگی بسیار دیدیم. گاهی نیز از فتی معنی: اولیاء و پیروان و یاران اراده شده است مانند این آیه:

۸- ﴿وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يُعْرَفُونَ إِذَا انْقَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (یوسف/ ۶۲)

فیروزآبادی کلمه فتی را از ریشه فتاء می‌داند که به معنی جوانی است و عقیده دارد که لفظ فتوت معنی برزگواری و کرم را می‌رساند.

فتوت از منظر پیامبر گرامی اسلام(ص)

بدیهی است که روند اسلامی کردن فتوت، از دوران پیامبر(ص) آغاز شده بود، زیرا احادیثی از ایشان نقل شده است که بر چنین رهیافتی دلالت دارد. البته پیش از این تاریخ نیز جوانمردان و عیاران در اماکنی اجتماع می‌کردند و شاید جاذبه این محافل، صوفیه را به اندیشه ایجاد مراکزی برای گردهمایی سوق داده باشد. عرفان اسلامی اهل فتوت با اعتقاد به شریعت محمدی(ص) در زهد و تصوف موجب پویایی و گسترش یافت.

«ذکر این علم و شرف فتوت و تعریف کسی که مظهر این صفت باشد مسطور است؛ و شرف این علم همین بس که اسناد به حضرت شاه ولایت و فرزندان بزرگوار آن حضرت کرده؛ و خواجه عبدالرزاق کاشی آورده که مبدأ نبوت و مظهر آن آدم صلی الله علیه و السلام و قطب نبوت ابراهیم خلیل علیه السلام و خاتم نبوت حضرت سید المرسلین صلوٰة الله علیه و علی سایر الانبیاء. همچنین مبدأ فتوت و مظهر آن ابراهیم خلیل است و قطب فتوت مرتضی علی است و خاتم فتوت مهدی هادی علیه السلام خواهد بود از اولاد حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم» (همان: ۶).

فتوت از منظر امام علی (ع)

از امیرالمؤمنین پرسیدند فتوت چیست؟ فرمود: فتوت آن است که هیچ کاری نکنی در نهانی که آشکار نکنی که اگر آشکار شود منفعل گردی و هر آینه این وقتی باشد که سالک خدای را حاضر داند و داند که هر چه می کند می بیند و این جا گفته اند، رباعی:

سرت همه دانای فلک می داند کو موی به موی و رگ به رگ می داند
گیرم که به زرق خلق را بفریبی با او چه کنی که یک به یک می داند

(همان: ۹)

و هم از حضرت شاه ولایت (علیه السلام) منقول است که فرمود: فتوت آن است که در دنیا و آخرت هیچ خصم نباشد و شک نیست که این صفت در مرتبه تجرید و تفرید حاصل شود.

سیمای تابناک علی بن ابی طالب علیه السلام در آینه فتوت

ابوالعلاء عقیفی نوشته است که علی و خاندانش به جوانمردی (فتوت) به اعتبار این که «جوانمردی مجموعه ای از فضائل است که بزرگواری و بخشش و دهش و مروت از نمونه های بارز آن می باشد. وصف شده اند و کسانی که دارای صفت جوانمردی هستند از سایر مردم ممتاز می باشند».

پس از اندک مطالعه و پژوهش در احوال امام علی (ع) آشکار می شود که اخلاق و اوصاف جوانمردی همان صفات و خصائل عالی انسانی است که حضرت علی (ع) بدانها

آراسته بود. علی(ع) همان مرد شجاعی بود که با گذشت وی همگنانش به خلافت رسیدند و به جهت برتری دادن مصالح عامه مسلمانان بر مصلحت شخصی، در صد شورش و معارضه برنیامد و نفس خود را مغلوب کرد.

در بررسی آثار بن صوشه و مصطفی الشیبی این معنا به این صورت آمده که بن صوشه جایگاه امام علی(ع) را در ضمن جایگاه خلفای راشدین نقل کرده، و البته برای امام علی(ع) جایگاه خاص به عنوان شاه جوانمردان قائل شده است. از این عبارت نیز می توان این پیام را به دست آورد که اصطلاح «فتوت» نیز بستگی به همان جمله معروف «لا فتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار» دارد و در واقع از آن، ریشه گرفته است. آنچه این استنباط را تأیید می کند آن است که گروهی از اصحاب فتوت در دمشق به این معنی که شیوه فتوت به علی(ع) بستگی دارد توجه کردم و چون این گروه دشمن شیعیان و خاصه دشمن غالیان بودند از این جهت در سال ۵۸۱ هجری نام نبویه را در برابر فتوت علویه برای خود برگزیدند(همان: ۲۶۹).

چون شمشیر معروف به ذوالفقار از راه وصایت و وراثت به امام علی منتقل شده از طرف برگزیدگان و نیکان علوی، این جمله نیز بر سایر مقامات علی(ع) افزوده شد: «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار». نیکسون قصیده‌ای را به مولوی نسبت داده که در آن از ذوالفقار با قداست و روحانیت یاد شده و آن را موجودی الهی که خداوند در آن تجلی کرده معرفی نموده است. شاید غرض از این معنی اشاره به این آیه شریفه باشد: «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی، چون تیر انداختی تو تیر نینداختی و لکن خدا تیر انداخت». مولوی چنین سروده است:

دل برد و نهان شد	هر لحظه به شکلی بُت عیار برآمد
گه پیر و جوان شد	هر دم به لباس دگر آن یار برآمد
قتال زمان شد	شمشیر شد و از کف کرار برآمد

(مولوی، دیوان شمس، ۱۳۵۸)

سیمای امام علی(ع) از دیدگاه یوسف بن صوشه

بن صوشه در خصوص جایگاه امیرالمؤمنین علی(ع) در «کتاب الفتوة» نوشته است:

«فتوة علی بن ابی طالب رضی الله عنه: لا جدال انّ علیاً تلمیذُ محمّد(صلی الله علیه وآله وسلم) «فَقَدْ تَكْفَلْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ وَتَرَبَّى فِي حَجْرِ النَّبِیَّةِ...» (بن صوشه، ۱۶: ۲۰م: ۲۴): تردیدی نیست که علی بن ابی طالب (ع) شاگرد حضرت محمد (ص) بود و رسول گرامی اسلام (ص) قبل از بعثت سرپرستی او را بر عهده داشت و بی شک، در آن هنگام شیوه جوانمردی و آیین فتوت را به طور کامل به او آموخت. و او را جوانمرد و سخاوتمند پرورش داد.

«النبوة فلا ريب أن تكونُ سمات الفتوة عنده كاملة، بل كانت فتوته مبكرة فمن هذه الفتوة المبكرة شجاعته وامانته. فأما الشجاعة، المبكرة تتضح في أنه قبل أن ينام في فراش رسول الله ليلة الهجرة» (بن صوشه، ۱۶: ۲۰م: ۲۵).

از ویژگی‌های این فتوت بی نظیر، شجاعت، و امانتداری بود و شهادت او همین بس که در شب هجرت که مشرکان در صدد کشتن پیامبر خدا بودند، علی (ع) با دلاوری ذاتی خود در بستر رسول اکرم (ص) خوابید.

«وإذا كانت الفتوة مجموعة فضائل منها الكرم، والشجاعة والایثار فمن الملاحظ أن هذه الفضائل كانت جلية في خلق علی بن أبي طالب - رضی الله عنه - الرجل الكريم الشجاع» (همان: ۲۵).

«وهذه الفتوة الواضحة في شخصية امير المؤمنين علی بن ابی طالب جعلت البعض ينسبون الفتوة اليه بل جعلوه رأس الفتوة» (بن صوشه، ۱۶: ۲۰م: ۲۷).

بن صوشه از ابن ابی الحدید نقل می‌کند: و این فتوت روشن در شخصیت امیر المؤمنین علی (ع) موجب گردید که بسیاری (محققان) فتوت را به آن امام همام نسبت دهند و او را پیشوای جوانمردان بشناسند (همان: ۲۸).

سیمای امام علی (ع) از منظر کامل مصطفی الشیبی

الشیبی از قول ابوالعلاء عقیفی نوشته است: «جوانمردی مجموعه‌ای است از فضائل که بزرگواری و بخشش و دهش و مروت از نمونه‌های بارز آن است و این اوصاف در علی (ع) وجود دارد (الشیبی، ۱۹۲۷م: ۲۶۶). علی (ع) سر و سرور جوانمردان بود... ابن ابی الحدید در این باره چنین گفته است: «پس همانا ارباب فتوت، خود را به وی نسبت داده

و در این موضوع کتاب‌ها نوشته و اسنادی آورده‌اند که همه به وی منتهی می‌گردد. فتیان و دیگران او را سید الفتیان (سرور جوانمردان) نامیده‌اند» (همان: ۲۶۸).

منشور ناصر لدین الله درباره فتوت: این منشور، پس از حمد خدا و ستایش رسول الله(ص) اینگونه آغاز می‌شود: «من المعلوم الذی لا یتباری فی صحته ولا یرتاب فی براهینه وادلته أن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب هو أصل الفتوة ومنبعها...» (کامل الشیبی، ۱۹۲۷م: ۵۳۴). از امور روشن که در درستی آن هیچ تردید و در دلایل و برهان‌های آن کوچک‌ترین شکی نیست اینکه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب اصل و سرچشمه فتوت است که اوصاف شریف آن از منبع فیض رشد و نمو کرده و آداب پسندیده آن از همان سرچشمه آب یاری شده است و جوانمردان به وی اقتدا می‌کنند.

«اعلموا رحمکم الله، ان الفتوة من خصائص الأخیار وفضائل الأبرار والشدة والبیعة لتکمیل مراسم الطریق وتمهید قواعد التحقیق والأصل فی الطریقة التقوی» (همان: ۲۹۹)

بدانید خداوند شما را بیامرزد که جوانمردی از خصائص برگزیدگان و فضائل نیکان و کمر بستن و بیعت کردن برای تکمیل آیین طریقت و استوار کردن قواعد تحقیق است واصل در طریقت پرهیزگاری می‌باشد. کامل مصطفی الشیبی هم مانند دیگر پژوهشگران از جمله طبری در گزارش جنگ احد نوشته است: «پس از دلوری‌ها و جان فشانی‌های علی(ع) در برابر دشمنان اسلام، پیامبر(ص) فرمود: او از من است و من از اویم جبرئیل در آن لحظه حاضر بود پس گفت: من نیز از شما هستم که هانفی غیبی ندا داد:

لا فتی الا علی
لا سیف الا ذوالفقار

(همان: ۲۹۲)

ارکان فتوت

اگر پرسند ارکان فتوت چند است؟ بگوی دوازده است. شش رکن ظاهر و شش رکن باطن.

ارکان ظاهر

بن صوشه در کتاب خود می‌نویسد: ارکان ظاهری فتوت شش رکن است: ۱- مردانگی. ۲- بلوغ. ۳- کمال عقل. ۴- پایبندی به دین. ۵- پایداری در مشکلات. ۶- شجاعت و دلوری.

اول، بند زبان است از غیبت و کذب و سخن بیهوده؛ و عهد فتوت از کسی درست است که از زبان او مردم به سلامت باشند.

اگر مردی زبان خود نگه‌دار؟
دویم: بند سمع است از ناشنیدنی‌ها؛
دیگر ببند گوش ز هر ناشنیدنی
سیم: بند بصر است از نادیدنی‌ها؛
چشم بپوشان و مده دل ز دست
چهارم: بند دست است از گرفتن حرام و آزردن خلق؛
دست خود را ببند از آزار
لیک بگشا به دادن دینار
پنجم: بند قدم است از جایی که نباید رفت، و به غمز و کینه و آزار خلق قدم نانهادن.
پای ببند از ره نارفتنی
تا که در این راه به جایی رسی
ششم: بند شکم و فرج است از خوردن حرام و کردن زنا، که البته عهد فتوت از زانی درست نباشد و عقد فتوت از حرام خوار راست نیاید:
عفت فرج و بطن می‌باید
تا دلت از فتوت آراید
(واعظ کاشفی، ۱۳۵۰: ش/۲۴)

نتیجه بحث

فتوت، طی کردن مدارج درونی (طریقت) است و در عین حال حفظ همه اصول شریعت.

فتوت، عمل کردن به آداب اولیاء و انجام فرایض با اعمال کشف و شهود است. وقتی فتوت در این حد طریقت به کمال رسید، سبب شکفتن آن چیزی در انسان می‌شود که همان ولایت است؛ یعنی همان نوری که اولیاء الله را منور می‌سازد.

در قرون وسطی در بیش‌تر کشورهای اسلامی مشرق زمین و به خصوص در ایران جمعیت «فتیان» به وجود آمد که دسته «فتوت» نامیده می‌شد. کلمه فتوت واژه‌ای عربی است به معنی جوانی و نیز به معنی «هنگام شباب» و کاری که مناسب اعمال جوانی باشد این واژه از «فتی» به معنی جوان از قرآن کریم گرفته شده است.

از وجوه اشتراک پهلوانان و فتیان می‌توان نتیجه گرفت که وجه اشتراک فتیان و عارفان از منظر «فتوت نامه سلطانی»، تربیت جوانان پهلوان و پرهیزگار با اعتقادات شیعه امامیه بوده و کاشفی به گونه‌ای حماسه و عرفان را در هم آمیخته است.

اهل فتوت با پوشیدن خرقة خشن، تبرزین و کشکول به دست می‌گرفتند و کلاه شش ترک بر سر می‌گذاشتند و مانند سپاهیان و پهلوانان در نبرد با دشمنان و ثروتمندان بی انصاف، شرکت می‌جستند و در نهایت درستی‌کاری، راستی، یاری به تهی‌دستان و ترویج و گسترش منش‌های پهلوانی به پیروی از سیره رسول الله(ص) و علی ولی الله(ع) همواره کارهای عام‌المنفعه انجام می‌دادند.

علم طریقت دری است که به دریای حقیقت گشوده می‌شود. فتوت که همانا سوالیه‌گری عرفانی است، بخشی از دریای طریقت است. به زبان تمثیل، دریا چون راه عرفانی و شریعت به مانند بندری است که شخص از آن جا به کشتی می‌نشیند. بنابراین، فتوت که بخشی از طریقت است، چون دریایی است که به جانب حقیقت جاری است.

الشیبی بر این باور است که فتوت از اصول تشیع سر چشمه گرفته و امام علی(ع) برجسته‌ترین شخصیت این حرکت عرفانی است. پیغمبر خاتم فتوت را به علی بن ابی طالب تفویض فرمود چنانکه موسی آن را به هارون تفویض کرد. بدیهی است این مقام، یادآوری حدیث معروف «انت منی بمنزلة هارون من موسی» می‌باشد.

کتابنامه

قرآن مجید.

- ابن بلخی، ۱۳۷۴ش، **فارس نامه، بر اساس متن لسترنج و نیکلسون**، توضیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن معمار، ابی عبدالله محمد بن ابی المکارم. ۱۹۵۸م، **کتاب الفتوة**، مصطفی جواد و دیگران، بغداد: شفیق.
- ابوالنجیب سهروردی. ۱۳۶۳ش، **آداب المریدین**، ترجمه عمر بن محمد شیرکان، تهران: چاپ نجیب مایل هروی.
- افشاری، مهران. ۱۳۸۱ش، **چهارده رساله در باب فتوت و اصناف**، تهران: چاپ مهران و مهدی مدایینی.
- حافظ، خواجه شمس الدین محمد. ۱۳۷۸ش، **از روی نسخه غنی قزوینی**، تهران: انتشارات زوار.
- حایری، محمد حسن. ۱۳۷۹ش، **راه گنج**، بی جا: مؤسسه انتشارات مدینه.
- خدابنده، عبدالله. ۱۳۸۳ش، **شناخت فرقه اهل حق**، تهران: امیرکبیر.
- خواجه‌الدین، سیدمحمدعلی. ۱۳۷۲ش، **سرسپردگان، تاریخ و شرح عقاید اهل حق**، تهران: کتابفروشی منوچهری.
- داد، سیما. ۱۳۷۰ش، **فرهنگ و اصطلاحات ادبی**، تهران: انتشارات مروارید.
- زرکوب تبریزی، نجم‌الدین. ۱۳۷۰ش، **فتوت‌نامه**، در رسائل جوانمردان، تهران: چاپ مرتضی صراف.
- زرکوب تبریزی، نجم‌الدین. ۱۳۷۸ش، **فتوت‌نامه**، در رسائل جوانمردان، تهران: چاپ مرتضی صراف.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۴ش، **سر نی، نقد و شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی**، ج ۲، تهران: انتشارات علمی.
- سجادی، سید جعفر. ۱۳۶۲ش، **فرهنگ معارف اسلامی**، ج ۳، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۸۰ش، **انواع ادبی**، چاپ هشتم، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح اله. ۱۳۶۷ش، **تاریخ ادبیات در ایران**، ج ۱، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح اله. ۱۳۶۸ش، **حماسه سرایی در ایران**، تهران: امیرکبیر.
- عنصرالمعالی، کی کاوس بن قابوس وشمگیر. ۱۳۵۲ش، **قابوسنامه**، به اهتمام غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. بی تا، **آشنایی با علوم اسلامی**، بخش عرفان، تهران: صدرا.
- مولوی، جلال الدین. ۱۳۵۸ش، **کلیات شمس تبریزی**، بدیع الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نفیسی، سعید. ۱۳۹۰ش، **مقالات سعید نفیسی**، ج ۲، تهران: چاپ کریم اصفهانیان، محمدرسول دریاگشت.

واعظ کاشفی، حسین. ۱۳۵۰ش، **فتوت نامه سلطانی**، به اهتمام محمد جعفر محبوب، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

مقالات

حمیدی، جواد و محمود شکیب. ۱۳۹۸ش. «**رویکردی متن شناختی به انگاره‌های انسان گرایانه در اشعار شاملو و عبدالوهاب بیاتی**»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۹۸، صص ۶۳-۸۴.

فاتحی نژاد، عنایت الله و لیلا یثربی. ۱۳۹۷ش، «**مطالعه تطبیقی شباهت و تفاوت دو کتاب عیون الاخبار و العقد الفرید از منظر ساختار و محتوا**»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۹۷، صص ۴۰۳-۴۲۰.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn Balkhi, 1995, Farsnameh, based on the text of Lesterling and Nicholson, explanation and annotation by Dr. Mansour Rastegar Fasaei, Shiraz: Persian Studies Foundation.

Ibn Memar, Abi Abdullah Muhammad Ibn Abi Al-Makarem. 1958, Fatwa Book, Mustafa Jawad et al., Baghdad: Shafiq.

Abu Al-Najib Sahrurdi, 1984, The Etiquette of the Disciples, translated by Omar Ibn Mohammad Shirkan, Tehran: published by Najib Mayel Heravi.

Afshari, Mehran 2002, fourteen treatises on fatwa and guilds, Tehran: published by Mehran and Mehdi Madaini.

Hafiz, Khawaja Shamsuddin Mohammad 1999, from the rich version of Qazvini, Tehran: Zavar Publications.

Hayery, Mohammad Hassan 2000, Rah-e Ganj, no place: Medina Publishing Institute.

Khodabandeh, Abdollah, 2004, Recognition of the Ahl al-Haqq sect, Tehran: Amirkabir.

Khaje Al-Din, Seyed Mohammad Ali, 1993, Sarparsdegan, History and Description of Ahl-e-Haq Beliefs, Tehran: Manouchehri Bookstore.

Dad, Sima. 1991, Culture and Literary Terms, Tehran: Morvarid Publications.

Zarqub Tabrizi, Najmuddin. 1991, Fotovatnameh, in the Letters of the Gentlemen, Tehran: Published by Morteza Sarraf.

Zarqub Tabrizi, Najmuddin. 1999, Fotovatnameh, in the Letters of the Gentlemen, Tehran: Morteza Sarraf Press.

Zarrinkoob, Abdul Hussein 1985, Serre Ney, Critique and Analytical and Comparative Description of Masnavi, Vol. 2, Tehran: Scientific Publications.

- Sajjadi, Seyed Jafar 1983, Farhang-e Maaref-e-Islami, Vol. 3, Tehran: Iranian Authors and Translators Company.
- Shamisa, Sirus. 2001, Literary Types, Eighth Edition, Tehran: Ferdows Publishing.
- Safa, Zabihullah. 1988, History of Literature in Iran, Vol. 1, Tehran: Ferdows Publications.
- Safa, Zabihullah. 1989, Epic writing in Iran, Tehran: Amirkabir.
- Onsor Al-Maali, Kikau bin Qaboos Vashmgir. 1973, Qaboosnameh, by Gholam Hossein Yousefi, second edition, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Motahari, Morteza, no date, Introduction to Islamic Sciences, Mysticism Department, Tehran: Sadra.
- Movlavi, Jalaluddin 1979, Generalities of Shams Tabrizi, Badi-ol-Zaman Forouzanfar, Tehran: Amirkabir Publications.
- Nafisi, Saeed 1390, Articles by Saeed Nafisi, Volume 2, Tehran: Published by Karim Isfahanian, Mohammad Rasool Daryagasht.
- Waez Kashefi, Hussein 1971, Soltani Fotovatnameh, by Mohammad Jafar Mahjoub, Tehran: Iran Culture Foundation Publications.

Articles

- Hamidi, Javad and Mahmoud Shakib. 2019. "A textual approach to humanistic ideas in the poems of Shamloo and Abdolvahab Bayati", Studies in Comparative Literature, Vol. 13, No. 51, Fall 98, pp. 63-84.
- Fatehi Nejad, Enayatullah and Leila Yathribi. 2018, "Comparative study of the similarities and differences between the two books Ayoun al-Akhbar and Al-Aqd al-Farid in terms of structure and content", Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Twelfth Year, No. 48, Winter 97, pp. 403-420.

**A comparative study of the image of Imam Ali (as) regarding generosity with
an approach to several literary works**

Date of Received: October 10, 2019

Date of Acceptance: January 18, 2019

Najmieh Karimi

PhD student in Persian language and literature, Islamic Azad University, Kashan Branch.

Hossein Azar Payvand

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Kashan Branch.

Gholamreza Tamimi Tavandashti

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Boroujerd Branch. Dr.tamimi70@yahoo.com

Corresponding author: Gholamreza Tamimi Tavandashti

Abstract

Generosity is a social movement and a spiritual impulse of the culture and civilization of ancient Iran, which has been influential among the masses since the beginning of the entry of Islamic culture into the vast geography of Iran and it has somehow merged with Islamic culture. This research has observed the image of Imam Ali (AS) in "Fotovatnameh of Soltani" from Persian literature and "Treatise of Fatwa in Islam", Yusef Ibn Sousha and the book "Al-Sela Bain Sufism and Shi'ism »Kamel Mustafa al-Sheibi, from Arabic literature in a qualitative content analysis method and by referring to the reliable sources and documents of the library. Throughout history, many Shiite and Sunni nobles who believed in the principles of Shari'a and Tariqah, considered Imam Ali (AS) as the leader of the nobles and the strong point of this current of thought. The historical presence and spiritual support of Imam Ali (as) as the leader of generosity caused to be the helper of the poor and to fight against the oppressors with the slogan of La Fati Alla.

Keywords: Fotovatnameh, Al-Fotwa, Sufism, Shiism.